

بسم الله الرحمن الرحيم

به رسمیت شناختن دولت‌های غاصب مثل دولت یهود در سرزمین‌های اسلامی و بستن پیمان با آن‌ها حرام است!

(ترجمه)

ارتباط با دولت یهود از نظر شریعت، یک حالت خاص در روابط بین‌الملل است. اگرچه دولت یهود نیز مانند سایر ملت‌های استعمارگر کافر؛ هم‌چون: امریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه، چین و هند، از این نظر که همه کفار محارب بوده، در اشغال سرزمین‌های مسلمانان، اهانت و گستاخی نسبت به اسلام و مقدسات مسلمانان و ارتکاب جنایات بالای آنان مشابه می‌باشد؛ ولی این دولت ویژگی دیگری نیز دارد که بنابر وجود تحریم‌های اضافه در برقراری روابط با آن، او را از باقی دولت‌ها خاص، مستثنی و منحصر به فرد می‌کند. آن ویژگی، کیان این دولت است که کاملاً در سرزمین‌های اسلامی قرار دارد؛ طوری که بدون این سرزمین و بدون این استعمار وجودش منتفی می‌شود. بناءً، هرگونه برقراری ارتباط یا معامله با این دولت به معنی مشروعیت بخشیدن آن بوده و از نگاه شریعت حرام می‌باشد.

واضح است که رابطه‌ی مسلمانان با کفار حربی؛ مثل: دولت یهود، امریکا، هند، چین، انگلیس، فرانسه و روسیه، باید بر اساس جنگ برای محو استعمارشان از سرزمین‌های اسلامی و محو دشمنی‌شان علیه مسلمانان باشد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً﴾

(توبه: ۳۶)

ترجمه: و (به هنگام نبرد) با مشرکان دسته‌جمعی پیکار کنید؛ همان‌گونه که آنان دسته‌جمعی پیکار می‌کنند.

او سبحانه و تعالی فرموده‌است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾

(توبه: ۱۲۳)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کفارانی که به شما نزدیک‌تر اند پیکار کنید (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!)، آن‌ها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند.

بنابر این فرموده الله سبحانه و تعالی: باید در مقابل هر نیروی اشغال‌کننده‌ی سرزمین‌های اسلامی جنگیده و آن‌ها را خارج باید کرد.

﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ وَآخِرُ جَوْهَرِهِمْ مَنْ حَيْثُ آخَرُ جُؤْمُهُمْ﴾

(البقره: ۱۹۱)

ترجمه: آنان را هر کجا یافتید به قتل برسانید و از آن جا که شما را بیرون کردند، آن ها را بیرون کنید.

او سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾

(بقره: ۱۹۳)

ترجمه: و با آنان بجنگید تا فتنه ای باقی نماند و دین مخصوص الله (سبحانه و تعالی) شود. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (از آنان دست بردارید؛ زیرا) تعدی؛ جز بر ستم کاران روا نیست.

بستن پیمان همراه دولت های در حال جنگ با مسلمانان جائز نیست؛ مگر بعد از صلح و به شهروندان اش امان داده نمی شود؛ تا زمانی که کلمه الله سبحانه و تعالی را بپذیرند یا در سرزمین های مسلمانان به عنوان ذمی زندگی کنند. این رفتار در قبال دولت متحاربی که با مسلمانان در حال جنگ نیست، متفاوت است. در آن صورت پیمان های تجارتي، همسایه داری خوب و دیگر روابط با آن جائز بوده و شهروندان اش برای تجارت، گشت و گذار، سیاحت و غیره در سرزمین های اسلامی امنیت دارند.

خصوصیت دیگر دولت یهود که "اسرائیل" نامیده می شود، این است که چنین دولتی بدون اشغال سرزمین مقدس فلسطین اصلاً وجود ندارد. این دولت مانند هند نیست که بدون اشغال کشمیر وجود داشته باشد؛ مانند چین هم نیست که بدون اشغال ترکستان شرقی موجود بوده و مانند روسیه هم نیست که بدون اشغال چچین، قفقاز و کریمیه نیز پابرجا باشد؛ بلکه بدون فلسطین، هیچ اثری از دولت یهود باقی نخواهد ماند. ازین رو، هر همکاری یا رابطه ای که موجب مشروعیت دادن به آن شود، از نظر اسلام حرام است.

صلح موقت یا هدنه (متارکه ی جنگ) با هر دولتی که عملاً با مسلمانان در حال جنگ است؛ اگر نیاز باشد یا منافع مسلمانان ایجاب کند، بنابر بعضی تاکتیک های جنگی و توازن قدرت، موقتاً جائز است. اما در حقیقت، این امور برای تعامل با دولت یهود جائز نیست؛ چون این به معنی مشروعیت دادن به اشغال فلسطین بوده که حرام می باشد.

سازش گری و بازسازی روابط با دولت یهود، حرام و خطرناک ترین جنایتی است که می تواند در قبال مسأله ی فلسطین انجام شود. سازش گری بزرگ ترین عاملی است که اشغال فلسطین را زنده نگه می دارد. هدف از ایجاد دولت یهود در فلسطین، ساخت یک خنجر زهرآگین و سرطان مهلک در کنار امت مسلمه است که از وحدت، حمایت از یک دیگر و آزادی شان از غلامی استعمار ممانعت کند. غرب می خواهد از دولت یهود پایگاه پیشرفته ای در وسط جهان اسلام بسازد، تا نقطه ی آغازی باشد که از حرکت و قیام مسلمانان برای رهایی از چنگال استعمار و رسیدن به آزادی حقیقی، جلوگیری کند.

بنابراین، غرب دهه‌هاست که از طریق نقشه‌ها و مزدوران دست‌نشانده‌اش؛ مانند: حکام، اندیش‌مندان و سیاسیون تلاش کرده‌است تا جهان اسلام را به سمتی سوق دهد که این عضو بیگانه و سرطان‌کشنده را، با بهانه‌ها و توجیهات گوناگون، برای به چالش کشیدن لولو (هیولای کوچک) ایرانی، در کنار خود بپذیرند. حکام و حامیان غرب می‌کوشند، مسلمانان، نهادها و حرکت‌ها را در مسیر سازش‌گری و پذیرش این دولت غاصب بر سرزمین مقدس فلسطین سوق دهند. آنان هرگونه صدایی را که برای آزادی و از بین بردن این اشغال از سرزمین مقدس فلسطین بلند می‌شود، خاموش می‌کنند؛ ولی در عوض، "هم‌زیستی" و "پذیرش اوضاع کنونی" را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که: "اشغال قضای الهی است و هیچ راه‌گیزی از آن وجود ندارد."

استعمارگران با طرح نقشه‌ای در مورد فلسطین، در پی تحکیم دولت یهود و تضمین اقتدارش بر این سرزمین بودند. در واقع، مسیر آن‌ها با ایجاد و راه‌اندازی سازمان آزادی‌بخش فلسطین و بعداً حکومت فلسطین هموار شد. غرب کوشید از آن‌ها هم‌چون مقدمه‌ای برای به رسمیت شناختن دولت یهود و تحکیم وجودش توسط توافق‌نامه‌های نامشروع و خاینانه‌ی صلح استفاده و نقش مسلمانان را در این عرصه کم‌رنگ کند. استعمارگران دانستند که این کارشان بیهوده خواهد بود؛ مگر آن‌که رژیم‌ها و سازمان‌های عربی و حکام مسلمانان نیز با آنان یک‌جا شوند. بنابراین، استعمارگران آن‌ها را مجبور کردند که در مشروعیت دادن به دولت یهود و امضای پیمان‌های خاینانه با ایشان مشارکت داشته باشند. آنان تلاش می‌کنند مسلمانان دوست‌دار فلسطین (سرزمین اسراء رسول الله صلی الله علیه و سلم) را، با نشان دادن این‌که سازمان آزادی‌بخش و حکومت نیز صلح و هم‌زیستی زیر اشغال را پذیرفته‌اند، بفریبند و این را وظیفه‌ی سایر مسلمانان می‌دانند؛ تا آن‌چه را بپذیرند که آن‌ها قبول کرده‌اند. با روی کار آمدن حاکمانی که برای تداوم استعمار و تحکیم کفر و فساد بر جهان اسلام تقلا می‌کنند، جهان اسلام به محل درام‌ها، بازی‌ها، دسایس و شرارت‌های یهودی‌ها مبدل شده‌است.

این موضوع اهمیت سازش‌گری را در طرح استعمارگران نشان می‌دهد که یکی از اساسات‌اش تحکیم استعمار در سرزمین مقدس فلسطین است. سازش‌گری دروازه‌ی جدیدی از فساد و انحراف را بر جهان اسلام باز می‌کند. در حقیقت، خطر سازش‌گری زمانی همه‌گیر می‌شود که آخرین میخ را بر تابوت قضیه فلسطین بکوبند. سازش‌گری از لحاظ شرعی حرام بوده و معنی مشروعیت دادن به این اشغال نامشروع را افاده می‌کند.

حکام اعراب و مسلمانان با نشر معلومات غلط و ادعاهای دروغین؛ مثلاً: این‌که منافع اقتصادی و ثبات سیاسی در منطقه از طریق سازش و مصالحه تأمین می‌شود، می‌خواهند سازش‌گری با دولت یهود را توجیه کنند. این ادعا اشتباه است و ما را از حقیقت دور می‌کند. سازش با هیچ دولت اشغال‌گری جایز نیست؛ ولی در خصوص دولت یهود، همان‌گونه که قبلاً یاد کردیم، این امر شدیداً تحریم شده‌است.

برخلاف آن‌چه بعضی افراد فکر می‌کنند، حرام هیچ بهره‌ای ندارد! حقیقت با این ادعا متفاوت است. کجا مصر پس از امضای توافق‌نامه‌ی سازش‌گری با دولت یهود در کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ م تاکنون به شکوفایی اقتصادی دست یافته‌است؟! کجا اردن پس از پیمان وادی العربیه در سال ۱۹۹۴ م تا اکنون به رونق اقتصادی رسیده‌است؟! کجا مردم فلسطین بعد از امضای

موافقت‌نامه‌ی اسلو توسط سازمان آزادی‌بخش فلسطین به رهبری خائن بزرگ، یاسر عرفات، در سال ۱۹۹۳ تا حالا به شکوفایی اقتصادی دست یافته‌اند؟! مصر و اردن پس از امضای این پیمان‌های سازش گرایانه به پاس داران امنیت دولت یهود، مکانی برای گردش‌گران و محل گمراهی مردم به سمت یهودی‌ها بدل شده‌اند. در حقیقت، آن‌ها هرگز هیچ‌گونه نفع اقتصادی حاصل نکرده‌اند؛ بلکه در عوض، مصر و اردن از جیب خودشان برای تأمین امنیت یهودی‌ها و پاسبانی از گردش‌گران یهودی که از انجام هرگونه معصیت در این سرزمین‌ها دریغ نمی‌کنند، مصرف می‌کنند.

برعلاوه، این دو کشور به پلی برای عبور یهودیان و کسانی که هوش و حواس‌شان گذشتن از این پل به سمت سایر سرزمین‌های اسلامی است، تبدیل شده‌اند. از زمان امضای پیمان صلح اسلو، اوضاع اقتصادی کرانه‌ی باختری و نوار غزه رو به وخامت گراییده و میزان بی‌کاری به بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته‌است. هزینه‌ی زندگی در این ناحیه به اندازه‌ای بلند رفته‌است که جزء چهار ناحیه پرهزینه‌ی جهان به‌شمار می‌رود! و بدتر از همه، این حکام خائن مانند کسانی‌اند که دستان‌شان به انجام کار خیر برای مردم تکان نمی‌خورد. الله سبحانه و تعالی در این مورد می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا * أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا * أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا﴾
(نساء: ۵۱-۵۳)

ترجمه: آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (الله سبحانه و تعالی) به آنان داده شده، (با این حال)، به جبت و طاغوت ایمان می‌آورند و درباره‌ی کافران می‌گویند: «آن‌ها، از کسانی که ایمان آورده‌اند، هدایت یافته‌تر اند.» آنان کسانی استند که الله (سبحانه و تعالی) ایشان را از رحمت خود دور کرده‌است؛ هرکس را الله (سبحانه و تعالی) از رحمت‌اش دور کند، یآوری برای او نخواهی یافت. آیا آن‌ها سهمی در حکومت دارند (که بخواهند چنین داوری کنند)؟ درحالی‌که اگر چنین بود (همه‌چیز را در انحصار خود می‌گرفتند) و کم‌ترین حق را به مردم نمی‌دادند.

این سخن که سازش و مصالحه با دولت یهود ثبات سیاسی را در منطقه به ارمغان می‌آورد، نیز گمراه کننده است؛ چون دولت یهود نیز، در دشمنی و خصومت با اسلام و مسلمانان، دقیقاً شبیه هند است. الله سبحانه و تعالی با تأیید این موضوع فرموده‌است:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾
(مائده: ۸۲)

ترجمه: مسلماً، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را یهود و مشرکان خواهی یافت.

تنها کسانی می‌توانند بر روی زمین فساد نموده و علیه مؤمنان نقشه بکشند که در این چارچوب قرار داشته باشند. این همان چیزی‌ست که دولت هندو با تخریب کشمیر و انجام عملیات شریانه در افغانستان و پاکستان، همانند دولت یهود عملاً ثابت

کرده است که به پیمان‌هایش با حکام اعراب، که با قتل بسیاری از افراد مخلص، علما و محققین در عراق، تونس، خلیج و دیگر مناطق در پی سازش با او استند، هیچ‌گونه احترامی قایل نیست. این دولت همه‌ی این اعمال جنایت‌کارانه را در منطقه درحالی انجام داد که هیچ توانایی نداشت؛ پس بر سر دانش‌مندان و پژوهش‌گران ارتش و قدرت هسته‌ای پاکستان چه خواهند آورد؛ اگر که با سازش و مصالحه با حکام‌اش توان‌مند شود؟!

تنها راه حل شرعی قضیه فلسطین، آزادی کامل آن از اشغال، بدون هیچ‌گونه چانه‌زنی، مذاکره یا روند صلح است. امضای پیمان‌های صلح با اشغال‌گران یا تقسیم سرزمین‌های اسلامی بین آن‌ها و مسلمانان حرام است. پس باید هر وجب خاک این سرزمین به اسلام و مسلمانان دوباره برگردانده شود. فلسطین سرزمین خراج مسلمانان است که به دست فاروق امت، عمر بن خطاب رضی الله تعالی عنهما، فتح شده، توسط فرماندهی قهرمان صلاح‌الدین ایوبی آزاد و طی قرن‌ها توسط خلافت اسلامی از آن پاس‌داری شد. فلسطین با خون هزاران شهید و قهرمان که در فتح، آزادی و حفاظت‌اش سهم گرفته‌اند، آبیاری شده است. این سرزمین تا قیام قیامت بر گردن مسلمانان امانت بوده و باید با آزاد کردن و پاک نمودن آن از پلیدی‌های اشغال‌یهود، عزت و احترام شود.

ازین‌رو، هر مسلمان مکلف است در برابر سازش‌گری با اشغال‌یهود مبارزه نموده و همه تلاش‌هایی را که به هر شکلی از اشکال باعث ایجاد رابطه با دولت یهود می‌شود، به چالش بکشد. مسلمانان باید ارتش‌های‌شان را صدا زده و آنان را به نبرد با یهود برای آزادی و خلاصی فلسطین از پلیدی‌ها و شرارت‌های‌شان در جهان اسلام به حرکت اندازند. امکان ندارد که این امر زیر رهبری کسانی که تمام تلاش‌شان سازش و مصالحه‌ی یهود با حکام اعراب و مسلمانان است، اجرا شود؛ بلکه تنها تحت رهبری خلافت راشدیه‌ی ثانی به طریقه‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم تطبیق خواهد شد. حزب‌التحریر به همین دلیل و به دلیل مژده‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم که تأسیس‌اش را پیش‌بینی کرده‌اند، کار می‌کند. بر مسلمانان لازم است که تمام سربازان مخلص ارتش‌های اسلامی را برای نصرت دادن و تأسیس خلافت صدا زنند؛ تا در آن‌صورت، دولت خلافت ارتش‌های مسلمانان را برای آزادی فلسطین، کشمیر و سایر سرزمین‌های اشغال‌شده به راه اندازد؛ همان‌طوری که رسول الله صلی الله علیه وسلم در این حدیث پیش‌گویی کرده‌اند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ فَيَقْتُلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ حَتَّى يَخْتَبِيَ الْيَهُودِيُّ مِنْ وَرَاءِ الْحَجَرِ وَالشَّجَرِ فَيَقُولُ الْحَجَرُ أَوْ الشَّجَرُ يَا مُسْلِمُ يَا عَبْدَ اللَّهِ هَذَا يَهُودِيٌّ خَلْفِي فَتَعَالَ فَاقْتُلْهُ . إِلَّا الْغُرَقَدَ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرِ الْيَهُودِ»
[مسلم]

ترجمه: شما (مسلمانان) تا هنگامی با یهود خواهید جنگید که بعضی از آنان خودشان را پشت سنگ‌ها پنهان خواهند کرد. (ولی) سنگ‌ها (به آنان خیانت می‌کنند و) می‌گویند: «ای بنده الله (سبحانه و تعالی)! یک یهود پشت من پنهان شده است؛ پس بیا و او را به قتل رسان.»

نویسنده: بلال مهاجر

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۲۵ ذوالحجه ۱۴۴۰ ه.ق

۲۶ آگست ۲۰۱۹ م

مترجم: محمد حارث پویا